

مجله انگلیسی مد نسخله چهارم

WWW.E-LEARNER.IR

Author: Mostafa Ghadimi

Special thanks : Mina Yaseri

آموزش الکترونیک

نویسنده : مصطفی قدیم

تشکر ویژه از : سرکار خانم مینا یاسری

October & November 2012

مهر و آبان ۱۳۹۱

TABLE OF CONTENTS

	Pages
💡 Prayer	3
💡 Grammar	4
💡 Idiom	6
💡 Quiz	11
💡 Abbreviations	12
💡 Expressions	13
💡 Short Story	14
💡 504 Essential Words	16

Prayer

Thank you my perfect God , for every thing .

For beautiful sky that we see it everyday
and never think who has made it .

For beautiful nature (trees and flowers) that
produce oxygen until they are alive .

Please help us to kill the director of the film
that swear to Imam Mohammad.



Basic Grammar

افعال اصلی (main verb): افعالی هستند مانند go ، use ، play و ... که اگر در جملات بیایند برای سوالی و منفی کردن آن ها از افعال کمکی (do,does,did) و برای منفی کردن آن ها از (doesn't , don't , didn't) استفاده می کنیم . مثال :

نکته ۱: اگر (do , does) در اول جمله بیاید به معنای «آیا» و اگر به عنوان فعل اصلی باشند به معنای «انجام دادن» می باشند .

افعال کمکی (auxiliary verb): به افعال to be ، to have ، modal verb گروه اول و modal verb گروه دوم افعال کمکی می گویند .

To be : (am , is , are , was , were)

To have : (have , has , had)

Modal verb group 1 : (can , may , will , should , could , must , might , would and etc.)

Modal verb group 2 : (have to , has to , had to)

اگر در جملات انگلیسی ، افعال کمکی به کار رفته باشند ، برای سوالی کردن و منفی کردن آن ها از خودشان استفاده می کنیم ؛ مثلا :

- They should help their servant at home .

- Should they help their servant at home ?

- No , they shouldn't .

خدمتکار زن : Servant

Basic Grammar

نکته ۲: با تمام افعال کمکی و فعل های ناقص (modal verb) گروه اول می توانیم جملات را سوالی و منفی کنیم .

نکته ۳: با افعال ناقص گروه دوم نمی توانیم جملات را سوالی و منفی کنیم . برای سوالی کردن آن ها از افعال کمکی (do,does,did) استفاده می کنیم ؛ مثال :

- She has to do her homework.
- Does she have to do her homework ?
- She doesn't have to do her homework .

نکته ۴: فعل کمکی must در زمان حال و آینده به کار می رود و اگر بخواهیم آن را در زمان گذشته به کار ببریم باید از had to استفاده کنیم .

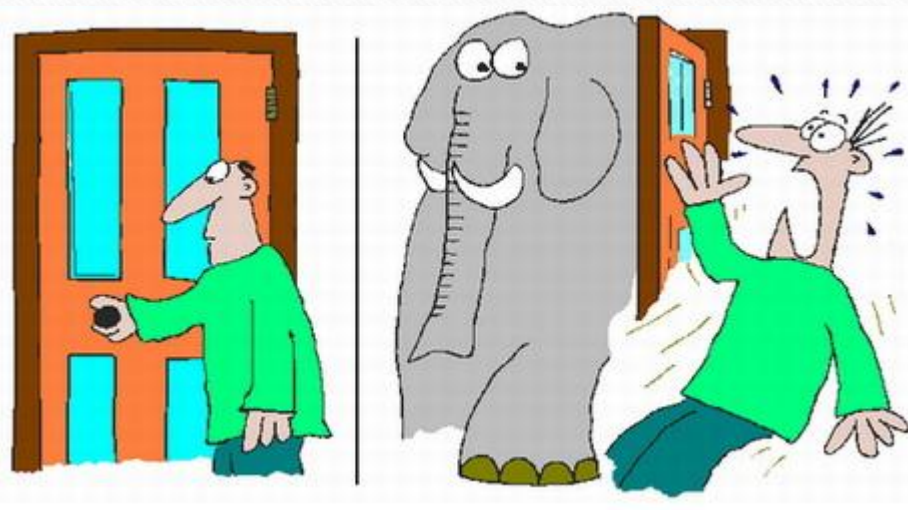
نکته ۵: شکل فعل to be بعد از افعال کمکی can ، should ، will و ... **be** می باشد .

نکته ۶: بعد از افعال کمکی ناقص فعل جمله به صورت ساده به کار می رود ؛ مثلا :

He can **do** his homework .

Be taken aback

جا خوردن



Ali was taken aback when he opened the door and saw Ahmad behind the door .

علی هنگامی که در را باز کرد احمد را پشت در دید و جا خورد .

Own up

اعتراف کردن



Hasan owned up that he wrote Asghar homeworks .

حسن به نوشتن مشق های اصغر اعتراف کرد .

Break out

آغاز شدن ناگهانی



The second world war broke out on 3 September , 1939

جنگ جهانی دوم در سوم سپتامبر 1939 آغاز شد .

Dressed to the teeth

تیپ زده

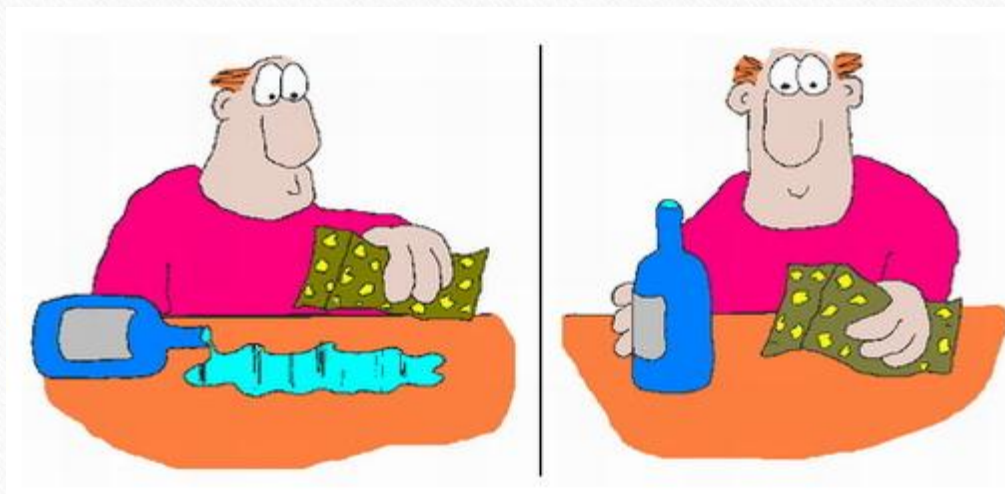


Mohammad is really dressed to the teeth !

محمد ، حسابی تیپ زده است !

Soak up

به خود جذب کردن



Kleenex soaked up the spilt water .

دستمال آب ریخته شده را به خود جذب می کند .

آزمون کوتاه شماره ۲



قابل توجه عزیزان شماره دوم آزمون کوتاه از همین
گرامر نسخه ۴ مجله می باشد لطفا دقت بفرمایید

ABBREVIATIONS

1	ed.	edition
2	Educ.	education
3	Egypt.	Egyption
4	Electr.	Electricity
5	Elem.	element
6	emph.	emphatic
7	Encycl.	encyclopedia
8	Eng.	England , English
9	Engin.	Engineering
10	Enq.	enquiry
11	Enthus.	enthusiasm
12	Equip.	equipment
13	esp.	specially
14	Ess.	essay
15	Essent	essential
16	Eval.	evaluation
17	Even.	evening
18	Evol.	evolution
19	Exalt.	exaltation
20	Exam.	examination

EXPRESSIONS

WWW.E-LEARNER.IR

MY ENGLISH MAGAZINE

Expressions	Meaning
Knowledge is power.	توانا بود هر که دانا بود.
A will finds away.	همیشه اگر اراده ای باشد، راهی است .
Simplify your life.	ساده زیستی کنید.
Leave room for the unexpected.	جای کافی برای اتفاقات غیر منتظره بگذارید.
Good work done little by little becomes a great job.	کار خوبی که اندک اندک انجام شود کار بزرگی است.
Donate two pints of blood every year.	دو بار در سال خون بدهید.
The easiest person to deceive is one`s self.	فریب دادن خود از فریب دادن همه آسان تر است .
Unhappiness is often caused by coparison.	اندوه اغلب پیامد مقایسه است.
The trouble with most of us is that we stop trying in trying times.	مشکل اغلب ما این است که در زمان تلاش دست از تلاش می کشیم .
Accept pain and disappointment as part of life.	درد و ناامیدی را به عنوان بخش هایی از زندگی بپذیرید.

There once was a little boy who had a bad temper. His father gave him a bag of nails and told him that every time he lost his temper, he must hammer a nail into the back of the fence. The first day, the boy had driven 37 nails into the fence. Over the next few weeks, as he learned to control his anger, the number of nails hammered daily gradually dwindled down. He discovered it was easier to hold his temper than to drive those nails into the fence.

Finally the day came when the boy didn't lose his temper at all. He told his father about it and the father suggested that the boy now pull out one nail for each day that he was able to hold his temper. The days passed and the boy was finally able to tell his father that all the nails were gone. The father took his son by the hand and led him to the fence. He said, "You have done well, my son, but look at the holes in the fence. The fence will never be the same. When you say things in anger, they leave a scar just like this one. You can put a knife in a man and draw it out. It won't matter how many times you say I'm sorry the wound is still there.

A verbal wound is as bad as a physical one."

زمانی ، پسر بچه ای بود که رفتار بدی داشت . پدرش به او کیفی پر از میخ داد و گفت هرگاه رفتار بدی انجام داد ، باید میخی را به دیوار فرو کند .

روز اول پسر بچه ۳۷ میخ وارد دیوار کرد . در طول هفته های بعد ، وقتی یاد گرفت رفتارش را کنترل کند ، تعداد میخ هایی که به دیوار می کوبید به تدریج کمتر شد . او فهمید که کنترل رفتار ، از کوبیدن میخ به دیوار آسان تر است .

سرانجام روزی رسید که پسر رفتارش را به کلی کنترل کرد . این موضوع را به پدرش گفت و پدر پیشنهاد کرد اکنون هر روزی که رفتارش را کنترل می کند ، میخی را بیرون بکشد . روز ها گذشت و پسرک سرانجام به پدرش گفت که تمام میخ ها را بیرون کشیده است . پدر دست پدرش را گرفت و سمت دیوار برد . پدر گفت : تو خوب شده ای اما این سوراخ ها ی دیوار نگاه کن . دیوار شبیه اول نیست . وقتی چیزی را با عصبانیت بیان می کنی ، آن ها سوراخی مثل این ایجاد می کنند . تو می تانی فردی را چاقو بزنی و آن را در بیاوری . مهم نیست که چقدر از این کار اظهار تاسف می کنی .

آن جراحت هم چنان باقی می ماند . ایجاد یک زخم بیانی (رفتار بد) به بدی یک زخم و جراحت فیزیکی است

Abandon = forsake

ترک کردن

Abide = stay

ایستادگی کردن

Abroad = in another country

خارج از کشور

Acknowledge = admit

قبول کردن

Adolescent = young person

جوان

Amend = alter

اصلاح کردن ، تغییر دادن

Anticipate = predict

پیش بینی کردن

Appoint = nominate

تعیین کردن ، نصب کردن

Architect = one who designs buildings and other structures

معمار

Authority = power

قدرت